

Wort der Nacht لغت شب zahm

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 22, 2016

zahm یک صفت می باشد

رام ، اهلی ، رام شده ، دست آموز ، مطیع ، تسلیم ، فرمانبردار ، سر به راه ، نرم ، ملایم ، آرام

An Menschen gewöhnt, friedlich

به انسان ها عادت کردن ، آرام و ساکت

Keine Angst! Die Pferde sind ganz zahm

ترس به دلت راه نده ، آن اسب ها کاملاً اهلی هستند.

نترس ، آن اسب ها کاملاً رام هستند.

Er ist zahm, du darfst ihn streicheln

او رام است ، تو اجازه داری او را نوازش کنی

Heute ist mein Sohn überaus zahm

امروز پسر من بیش از اندازه آرام است

Ein zahmes Reh

یک گوزن اهلی ، یک آهو رام

Die Eichhörnchen im Park sind ganz zahm

سنجاب ها در آن پارک کاملاً اهلی هستند.

Ich gebe dir das zahmste unserer Pferde

من اهلی ترین اسب هایمان را به تو میدهم.

Der Ziegenbock ist ganz zahm

آن بز کاملاً اهلی است.

Eine sehr zahme Kritik

یک انتقاد خیلی ملایم

یک نقد خیلی ملایم

موفق باشید. ?

? Viel Erfolg